

کاربرد شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه در مطالعه ساختار توده‌های دست نخورده راش در جنگل خیرود نوشهر

زهرا نوری^{*}، محمود زبیری^۱، جهانگیر فقهی^۱ و محمدرضا مروی مهاجر^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۵)

چکیده

امروزه توصیف کمی ساختار جنگل به‌عنوان یکی از مناسب‌ترین ابزار در مدیریت نوین جنگل در نظر گرفته می‌شود. هدف از انجام این تحقیق، مطالعه شاخص‌های ساختاری در توده‌های دست نخورده راش با استفاده از شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه بود. به این منظور یک پارسل به مساحت ۴۸ هکتار در بخش گرازبن جنگل آموزشی و پژوهشی خیرود به‌عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شد و گونه و قطر برابر سینه تمام پایه‌های درختی با قطر برابر سینه بیشتر از ۷/۵ سانتی‌متر یادداشت و به‌منظور تهیه نقشه موقعیت مکانی درختان، موقعیت هر یک از پایه‌های درختی با روش فاصله-آزیموت ثبت شد. سپس شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه شامل شاخص‌های الگوی مکانی کلارک و ایوانز، شاخص آمیختگی (DMi)، شاخص آمیختگی نسبی (S) و شاخص اختلاف قطر برابر سینه (Tij) با استفاده از نرم‌افزار Crancod 1.3 محاسبه شدند. نتایج حاصل از شاخص کلارک و ایوانز نشان داد الگوی مکانی درختان در منطقه مورد مطالعه از حالت کپه‌ای پیروی می‌کند. مقدار شاخص (DMi) در منطقه مورد مطالعه برابر با ۰/۳۱۳ به‌دست آمد که نشان‌دهنده آمیختگی کم گونه‌های تشکیل‌دهنده است. مقدار شاخص (Tij) برابر با ۰/۴۳ حاکی از اختلاف متوسط درختان از نظر قطر برابر سینه است و مقدار شاخص S که بزرگ‌تر از صفر بود نشان‌دهنده تفکیک گونه‌ها در منطقه مورد مطالعه می‌باشد. نتایج این مطالعه کاربرد شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه را در مطالعه مولفه‌های ساختاری جنگل‌های راش نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: شاخص پراکنش مکانی کلارک و ایوانز، شاخص آمیختگی، شاخص تمایز قطری، جنگل‌های خزری، خیرود

۱. گروه جنگلداری و اقتصاد جنگل، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران

*: مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: znouri9@gmail.com

مقدمه

در طی سال‌های اخیر جنگلداری نوین با هدف پایداری اکولوژیکی توسعه یافته و در حال حاضر نیز به سرعت در حال تکامل می‌باشد (۴۵). در همین راستا توصیف کمی ساختار جنگل به عنوان یکی از مناسب‌ترین ابزارهای کاری در مدیریت نوین جنگل در نظر گرفته می‌شود (۲۹). ساختار و توزیع مکانی درختان (عمودی و افقی) مولفه‌های مهمی برای درک پویایی اکوسیستم‌های جنگلی می‌باشند و پتانسیل آنها برای درک مفاهیم اکولوژیک هنوز به طور کامل شناخته نشده است (۱۶، ۳۰ و ۳۴).

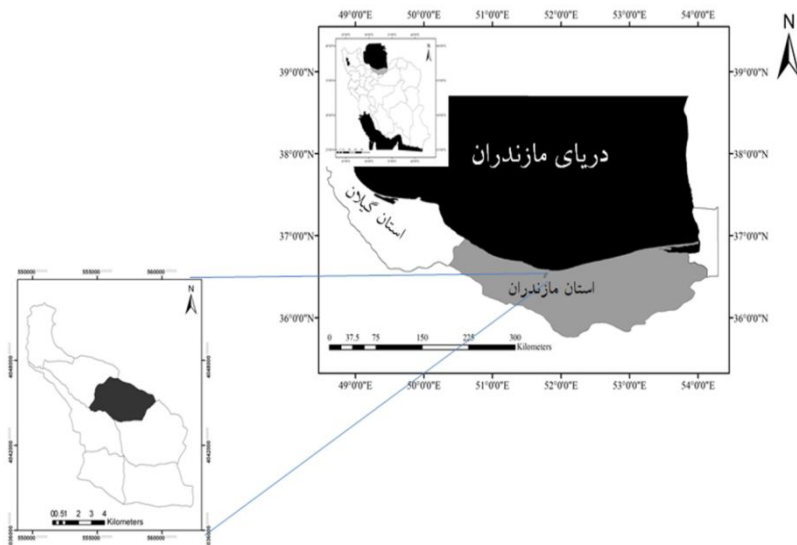
در اکوسیستم‌های جنگلی واژه "ساختار" (Structure) نحوه آرایش مکانی یک سری از ویژگی‌های درختان از جمله سن، ابعاد، گونه و جنس (در مورد درختان دو پایه) و مواردی از این دست را مورد توجه قرار می‌دهد (۲۶). محققان مختلف ساختار مکانی جنگل را به سه ویژگی تقسیم نموده‌اند: الف) تنوع موقعیت مکانی درختان که بیان کننده الگوی پراکنش منظم، کپه‌ای، تصادفی و یا ترکیبی از آنهاست. ب) تنوع آمیختگی که نحوه چیدمان گونه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. ج) تنوع ابعاد درختان که چیدمان مکانی مشخصه‌هایی از قبیل قطر و ارتفاع را نشان می‌دهد (۲۸).

به منظور توصیف کمی ساختار مکانی شاخص‌های آماری متعددی توسعه یافته‌اند از آن جمله می‌توان به شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه اشاره داشت، این شاخص‌ها دارای عملکردی شبیه به ساختار مولکول‌های شیمیایی می‌باشند و به بررسی همسایه‌های هر درخت یا نقطه معین در توده جنگلی می‌پردازند (۴۰). این شاخص‌ها به منظور توصیف دقیق و پایش تغییرات ساختاری توده‌های جنگلی و یا شبیه‌سازی ساختار توده‌های پیچیده در نرم‌افزارهای شبیه‌سازی کامپیوتری به کار می‌روند (۱۵، ۲۴ و ۴۱). از مزایای این شاخص‌ها می‌توان به انعطاف پذیری بالا در انتخاب تعداد درختان همسایه، عدم نیاز به اندازه‌گیری فاصله بین درختان و در نتیجه آسان و ارزان بودن محاسبه آنها، صحت بالا، توانایی کافی در تشریح ساختار

توده‌های جنگلی و بررسی تکامل آنها اشاره کرد (۱۵، ۲۸ و ۳۸). در هنگام محاسبه شاخص‌های ساختاری، تأثیرهای حاشیه‌ای نقش مهمی ایفا می‌نمایند و نادیده گرفتن این تأثیرها معمولاً منجر به برآوردهای آماری اریب می‌شود.

تاکنون مطالعات گوناگونی در زمینه بررسی ساختار و شاخص‌های مکانی در اکوسیستم‌های جنگلی مناطق مختلف کشور انجام گرفته است که بیشتر آنها تنها به بررسی الگوی مکانی گونه‌های درختی با استفاده از توابع و شاخص‌های مختلف پرداخته‌اند که به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌گردد. پوربابایی و همکاران (۵) الگوی مکانی گونه کرکف را در جنگل سفارود گیلان با استفاده از شاخص مربع تی، جانسون-زایمر و کلارک و ایوانز کپه‌ای گزارش نمودند. بصیری و همکاران (۴) با استفاده از شاخص‌های گرین و استاندارد شده موری سینا الگوی مکانی درختان در منطقه قامیشه مریوان را کپه‌ای گزارش نمودند. حبشی و همکاران (۶) با استفاده از آماره کلارک و ایوانز الگوی پراکنش راش، ممرز و انجیلی را در جنگل آمیخته راش شصت کلا گرگان، در تمام لایه‌ها کپه‌ای تعیین نمودند. در مطالعه عرفانی فرد و همکاران (۸) الگوی مکانی درختان با استفاده از شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه در جنگل سروک (منطقه زاگرس) پراکنده تعیین شد. اخوان و همکاران (۱) الگوی پراکنش گونه راش را در مراحل مختلف توالی در جنگل‌های کلاردشت مطالعه نمودند. علوی و همکاران (۹) الگوی مکانی گونه ملج را به عنوان یک مولفه ساختار در جنگل آموزشی و پژوهشی خیرود نوشهر با استفاده از تابع K-Ripley مورد بررسی قرار دادند. نوری و همکاران (۱۳) با استفاده از تابع K-Ripley الگوی پراکنش مکانی گونه‌های راش، ممرز، توسکای بیلاقی و پلت را در جنگل خیرود کپه‌ای تعیین کردند. مطالعات دیگری از جمله علیجانی و همکاران (۱۱) هر سه جنبه ساختار مکانی (تنوع موقعیت مکانی، تنوع آمیختگی و تنوع ابعاد) را در بررسی ساختار جنگل‌های میان‌بند خیرود به کار گرفته‌اند.

مطالعات بسیاری در خارج از کشور انجام شده است که



شکل ۱. منطقه مورد مطالعه

از با ارزش‌ترین گونه‌های تولیدکننده چوب می‌باشد (۱۲) که ۱۷/۶ درصد سطح و ۳۰ درصد حجم سرپای این جنگل‌ها را تشکیل می‌دهد و ارتفاع آن به بیش از ۴۰ متر و قطر برابر سینه آن به بیش از ۱/۵ متر هم می‌رسد (۴۳).

به‌منظور مدیریت بهینه این منابع جنگلی با ارزش به‌دست آوردن درک صحیحی از ساختار آنها ضروری می‌باشد. بنابراین با توجه به اینکه ارائه اطلاعات کمی در مورد ساختار اکوسیستم‌های جنگلی و توصیف خصوصیات مکانی به‌منظور مدیریت بهتر و برنامه‌ریزی و ارزیابی برنامه‌های مدیریتی جنگل ضروری می‌باشد (۷). و با توجه به اهمیت توده‌های راش در جنگل‌های خزری این مطالعه به بررسی ویژگی‌های ساختاری در راشستان‌های طبیعی و دست نخورده شمال ایران با استفاده از شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه می‌پردازد.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

این بررسی در بخش گرازین از جنگل آموزشی و پژوهشی خیرود در شمال ایران انجام گرفته است. جنگل خیرود در ۷ کیلومتری شرق نوشهر بین $36^{\circ}27'$ تا $36^{\circ}40'$ عرض شمالی و $51^{\circ}32'$ تا $51^{\circ}43'$ طول شرقی واقع شده است.

جنبه‌های مختلف ساختار را مورد بررسی قرار داده‌اند که به برخی از مهم‌ترین آنها که در راستای پژوهش حاضر می‌باشد اشاره می‌گردد. کینت و همکاران (۲۷) ضمن تشریح شاخص‌های ساختاری به کمی‌سازی ساختار یک توده متشکل از کاج (*Pinus sylvestris*) و بلوط (*Quercus robur* و *Quercus rubra*) با استفاده از شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه در جنگل‌های بلژیک پرداختند. پومریننگ (۳۸) رویکردهای مختلف کمی کردن ساختار جنگل در سه توده جنگلی را با استفاده از توابع گوناگون از جمله شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه مورد بررسی قرار داد. گراز (۲۶) شاخص آمیختگی (M) را در رابطه با پراکنش و غالبیت گونه‌ها در توده‌های شبیه‌سازی شده تصادفی مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که این شاخص، ابزار قدرتمندی در توصیف پراکنش مکانی گیاهان می‌باشد. روپرچت و همکاران (۴۴) تنوع ساختاری توده‌های *Taxus baccata* در اتریش را با استفاده از شاخص‌های آمیختگی، تمایز قطری و ارتفاعی مورد بررسی قرار دادند. جنگل‌های خزری همانند نواری سبز بر روی دامنه شمالی رشته کوه‌های البرز قرار گرفته‌اند و جزو جنگل‌های غنی دنیا محسوب می‌شوند (۵) و به‌عنوان منبع مهم تولید چوب و سایر خدمات جنگلی مطرح می‌باشد که در آن گونه راش یکی

مطالعه‌های ساختار جنگل‌ها به کار می‌روند، استفاده شده است. کلارک و ایوانز (۱۸) مقادیر عددی برای توصیف الگوی مکانی (Spatial pattern) درختان در توده‌های جنگلی ارائه دادند که فرمول این شاخص به صورت زیر می‌باشد (۳۸).

$$CE = \frac{\bar{r}_A}{\bar{r}_E}, \quad \bar{r}_E = \frac{1}{2\sqrt{\frac{N}{A}}}$$

هنگام به کارگیری شاخص نزدیک‌ترین همسایه جهت بررسی الگوی مکانی از آزمون Z نیز استفاده می‌شود. مقدار آماره Z به صورت زیر محاسبه می‌گردد (۱۹).

$$\sigma_{r_E} = \frac{0.26136}{\sqrt{N \cdot \rho}} = \frac{0.26136}{\sqrt{N^2 / A}}$$

$$Z = \frac{\bar{r}_A - \bar{r}_E}{\sigma_{r_E}}$$

در رابطه‌های فوق: \bar{r}_A : میانگین فاصله‌های بین درختان تا نزدیک‌ترین همسایه‌های آنها در یک توده جنگلی معین (متر)، \bar{r}_E : میانگین فاصله‌های بین درختان تا نزدیک‌ترین همسایه‌های آنها در یک توده جنگلی کاملاً تصادفی (متر)، N: تعداد درختان، A: سطح توده جنگلی (متر مربع)، \bar{r}_E : انحراف معیار \bar{r}_E می‌باشد.

در یک جنگل با توزیع تصادفی اگر مقدار CE بزرگ‌تر، مساوی یا کوچک‌تر از یک باشد الگوی درختان در منطقه مورد مطالعه به ترتیب منظم، تصادفی و کپه‌ای می‌باشد. تفسیر مقدار آماره Z محاسبه شده به شرح زیر می‌باشد: $-1.96 < Z < +1.96$: الگوی مکانی تصادفی، $Z > +1.96$: الگوی مکانی منظم، $Z < -1.96$: الگوی مکانی کپه‌ای.

شاخص آمیختگی (DM_i) (Species mingling index) به منظور بررسی نحوه چیدمان گونه‌های مختلف در کنار یکدیگر استفاده می‌شود و با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌شود (۲۷).

$$DM_i = 1/4 \sum_{i=1}^4 v_{ij} \quad v = \begin{cases} 1 \rightarrow \text{Species } i \neq \text{Species } j \\ 0 \rightarrow \text{Species } i = \text{Species } j \end{cases}$$

با توجه به فراوانی نسبی و موقعیت قرارگیری گونه‌ها نسبت به یکدیگر، این شاخص دارای ارزشی بین ۰-۱ است. در

پارسل ۳۱۹ بخش گرازبن به مساحت ۴۸ هکتار که دست نخورده بوده و تا زمان آماربرداری در آن هیچ‌گونه عملیات پرورشی، تجدید حیات و بهره‌برداری برنامه‌ریزی شده (در قالب طرح‌های جنگلداری) انجام نگرفته به عنوان منطقه مورد مطالعه در نظر گرفته شد. ارتفاع از سطح دریا در پارسل مورد نظر ۱۱۹۰ تا ۱۲۷۰ متر بوده و بیشتر قسمت‌های پارسل جهت جنوبی داشته و دو یال یکی در قسمت میانی و دیگری در مرز شمالی پارسل وجود دارد (۷). طبق نقشه تیپ‌بندی بخش گرازبن تیپ عمده در منطقه مورد مطالعه راش می‌باشد (۲) (شکل ۱).

در این مطالعه از روش ثبت موقعیت مکانی درختان به صورت نقطه با طول و عرض جغرافیایی مشخص استفاده شد و موقعیت مکانی درختان با استفاده از روش فاصله-آزیموت (۳۲) ثبت شد. بدین منظور ابتدا مختصات یک نقطه مشخص بر روی جاده جنگلی مشخص گردید و مختصات آن با استفاده از دستگاه GPS با دقت بالا ثبت گردید و این نقطه به عنوان نقطه شاخص در نظر گرفته شد. سپس دستگاه فاصله‌یاب لیزری (Trupulse 360) (محصول شرکت لیزر تکنولوژی کشور آمریکا) در عرصه در مکان‌های مشخصی مستقر شد و فاصله و آزیموت کلیه پایه‌های درختی موجود در پارسل با قطر برابر سینه بیشتر از ۷/۵ سانتی‌متر نسبت به این دستگاه یادداشت و گونه و قطر برابر سینه آنها نیز ثبت شد. به منظور تولید نقشه از مرکز تنه درختان، نصف قطر برابر سینه درخت به فاصله خوانده شده در همان آزیموت اضافه گردید تا محل دقیق مرکز تنه درختان به جای سطح خارجی پوست شبیه‌سازی شود. در مرحله بعد داده‌های فاصله-آزیموت که در طی عملیات زمینی برداشت شده بودند با استفاده از روابط ریاضی تبدیل به موقعیت مکانی آنها بر حسب طول و عرض جغرافیایی شد (۱۴).

شاخص‌های بررسی ساختار مکانی

در این مطالعه به منظور بررسی ساختار مکانی منطقه مورد مطالعه از رایج‌ترین شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه که در

براساس داده‌های یک جدول ۲*۲ به شکل زیر محاسبه می‌شود:

نزدیک‌ترین همسایه			
	گونه درختی ۱	گونه درختی ۲	مجموع
گونه درختی ۱	A	b	M
گونه درختی ۲	c	d	N
مجموع	V	W	N

از آنجایی که براساس تحقیق‌های پیشین ثابت شده است که به کار بردن چهار همسایه در روش‌های مبتنی بر نزدیک‌ترین همسایه دارای بیشترین دقت می‌باشد (۱۵، ۱۹، ۲۵، ۲۶ و ۲۷). در این مطالعه نیز شاخص‌های ساختاری با استفاده از همین تعداد از نزدیک‌ترین همسایه‌های هر درخت و با استفاده از نرم‌افزار Crancod 1.3 مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تصحیح اثرات حاشیه‌ای، روش نزدیک‌ترین همسایه به کار گرفته شد (۳۹).

نتایج

در منطقه مورد مطالعه موقعیت مکانی، گونه و قطر برابر سینه ۱۱۳۳۲ پایه درختی از گونه‌های راش (*Fagus orientalis* Lipsky)، ممرز (*Carpinus betulus* L.)، پلت (*Acer velutinum* Boiss.)، بلوط (*Quercus castaneifolia* C.A.M.)، توسکای بیلاقی (*Diospyros lotus* L.)، خرمندی (*Alnus subcordata* C.A.M.)، شیردار (*Acer cappadocicum* Gled.)، گیلاس وحشی (*Ulmus glabra* Huds.) و نم‌دار (*Tilia begonifolia* Stev.) که ۴ گونه راش، ممرز، پلت و توسکای بیلاقی بیش از ۹۷ درصد تراکم پایه‌ها را تشکیل می‌دهند. خصوصیات کمی گونه‌های مذکور در جدول ۱ ارائه شده است.

به منظور محاسبه شاخص پراکنش مکانی کلارک و ایوانز، میانگین فاصله مشاهده شده و الگوی پراکنش کل پایه‌های درختی موجود در منطقه محاسبه شد، مقدار این میانگین در منطقه مورد مطالعه، ۲/۹۱ متر به دست آمد در حالی که مقدار

هنگام استفاده از چهار همسایه در یک گروه ساختاری، مقدار این شاخص یکی از اعداد زیر می‌باشد: صفر: همه همسایه‌ها از گونه مشابه با درخت مرجع می‌باشند. ۰/۲۵: گونه یک درخت همسایه متفاوت با گونه درخت مرجع باشد. ۰/۵: گونه دو درخت همسایه متفاوت با گونه درخت مرجع باشد. ۰/۷۵: گونه سه درخت همسایه متفاوت با گونه درخت مرجع باشد. ۱: هیچ کدام از همسایه‌ها مشابه با گونه درخت مرجع نباشند.

شاخص اختلاف قطر برابر سینه (T_{ij}) (Diameter differentiation index) براساس اختلاف قطر درختان همسایه محاسبه می‌شود و به بررسی توزیع ابعاد درختان نسبت به یکدیگر می‌پردازد (۳۸).

$$T_{ij} = 1 - \frac{1}{4} \sum_{j=1}^4 \frac{\text{Min}(DBH_i, DBH_j)}{\text{Max}(DBH_i, DBH_j)}$$

در این فرمول DBH قطر برابر سینه به سانتی متر می‌باشد. این شاخص براساس جفت درخت مرجع با نزدیک‌ترین همسایه اول، دوم، سوم و چهارم می‌باشد و در هر یک از این جفت درختان، مقدار عددی قطر برابر سینه درخت کم قطر در صورت کسر و درخت قطور در مخرج کسر قرار می‌گیرد. مقدار این شاخص می‌تواند بین ۰-۱ متغیر باشد؛ به منظور سهولت در تفسیر نتایج، ارزش‌های محاسبه شده براساس این شاخص به چهار دسته تقسیم می‌شوند: اختلاف کم (۰/۳-۰/۵)، اختلاف متوسط (۰/۳-۰/۵)، اختلاف آشکار (۰/۷-۰/۵)، اختلاف زیاد (۰/۷-۱) (۴۴).

برای محاسبه شاخص آمیختگی نسبی (S) یک بررسی به منظور تعیین گونه‌های نزدیک‌ترین همسایه برای هر N درخت در سطح منطقه مورد مطالعه لازم می‌باشد تا تعداد درختان گونه‌های یک و دو (m, n)، تعداد درختان با همسایه‌هایی از گونه خودشان (d, a)، تعداد درختان با همسایه‌هایی غیر از گونه خودشان (c, b) را تعیین نمود. این شاخص از فرمول زیر به دست می‌آید (۳۷).

$$S = 1 - \frac{N(b+c)}{(V.n+W.m)}$$

مقدار این شاخص بین ۰+ و ۱- متغیر می‌باشد و

جدول ۱. خصوصیات کمی درختان در منطقه مورد مطالعه

گونه	تعداد در هکتار	قطر برابر سینه (سانتی متر)			میانگین \pm اشتباه معیار	میانگین سطح مقطع برابر سینه (مترمربع در هکتار)
		کمینه	بیشینه	درصد ضریب تغییرات		
راش	۱۵۷	۷	۱۸۸	۷۱	$40/22 \pm 0/33$	۲۹/۸
ممرز	۶۰	۷	۱۱۵	۷۰	$22/37 \pm 0/29$	۳/۵۳
توسکای بیلاقی	۶	۸	۱۵۴	۵۹	$46/72 \pm 1/69$	۱/۳۲
پلت	۸	۸	۱۸۶	۶۱	$50/49 \pm 1/55$	۲/۲۷

جدول ۲. نتایج به دست آمده از شاخص نزدیک‌ترین همسایه در منطقه مورد مطالعه

میانگین فاصله مشاهده شده	میانگین فاصله مورد انتظار	مقدار شاخص	Z-score	P-value
۲/۹۱	۳/۵۷	۰/۸۱	-۳۷/۲۶	<۰/۰۰۱

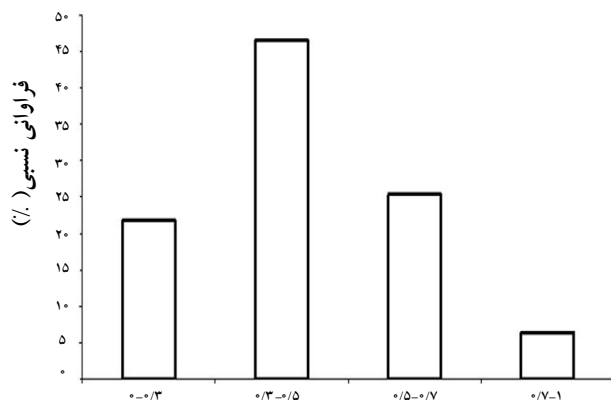
چهارم (گونه سه درخت همسایه متفاوت با گونه درخت مرجع باشد) و پنجم (هیچ کدام از همسایه‌ها مشابه با گونه درخت مرجع نباشند) کمترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند بنابراین می‌توان گفت بیشتر درختان در این پارسل در کنار پایه‌های هم گونه خود هستند.

مقدار میانگین شاخص اختلاف قطر برابر سینه (T_{ij}) برای درختان موجود در منطقه مورد مطالعه برابر با ۰/۴۳ به دست آمد. در شکل ۳ فراوانی نسبی ارزش‌های این شاخص در طبقات مختلف نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بیش از ۴۵ درصد درختان در منطقه مورد مطالعه، اختلاف قطری ۰/۳ تا ۰/۵ نسبت به درختان همسایه دارند. و از نظر قطر برابر سینه ناهمگنی متوسطی نسبت به همسایگان خود دارند.

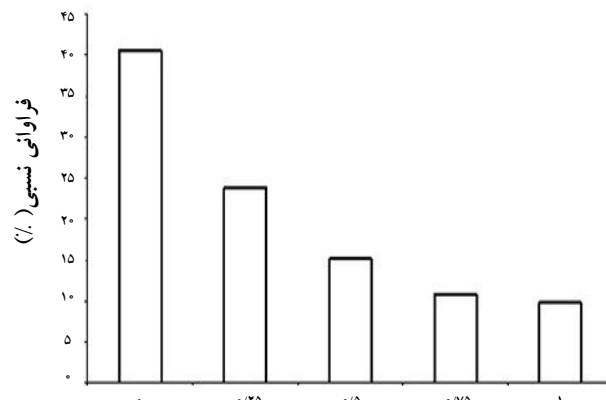
همان‌طور که گفته شد شاخص تفکیک S اختلاط دو گونه درختی را براساس روش نزدیک‌ترین همسایه تعیین می‌نماید. مقدار این شاخص در منطقه مورد مطالعه ۰/۴۴ به دست آمد. از آنجایی که مقدار این شاخص بزرگتر از صفر می‌باشد نشان‌دهنده این مطلب است که تعداد جفت‌های درختی مشاهده شده کمتر از مقدار مورد انتظار بوده و در نتیجه حاکی از تفکیک گونه‌ها یا به بیانی دیگر جدایی مکانی گونه‌ها می‌باشد.

میانگین فاصله مورد انتظار برای اینکه درختان موجود در منطقه الگوی پراکنش تصادفی داشته باشند ۳/۵۷ متر می‌باشد. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد مقدار شاخص نزدیک‌ترین همسایه برای منطقه مورد مطالعه کوچک‌تر از یک بوده که نشان‌دهنده الگوی کپه‌ای است. هم‌چنین مقدار $P\text{-value} < 0/001$ نیز رد کننده فرض صفر (تصادفی بودن الگوی درختان) می‌باشد و مقدار آماره Z کوچک‌تر از (-۱/۹۶) نیز موید این مطلب بود که درختان منطقه از الگوی پراکنش کپه‌ای پیروی می‌کنند.

شاخص آمیختگی گونه‌ای به خوبی بیانگر نحوه چیدمان گونه‌های مختلف در کنار یکدیگر می‌باشد. مقدار شاخص آمیختگی (DMi) درختان در منطقه مورد مطالعه ۰/۳۱۳ می‌باشد که نشان‌دهنده آمیختگی کم گونه‌های تشکیل‌دهنده است. توزیع ارزش‌های این شاخص در طبقات مختلف در شکل ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که در این شکل مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی مربوط به طبقه اول (ارزش صفر) می‌باشد که مربوط به زمانی است که درخت مرجع و چهار همسایه اطراف آن از یک گونه باشند، به عبارت دیگر بیش از چهل درصد درختان در منطقه مورد مطالعه در مجاورت چهار درخت از گونه مشابه خودشان قرار دارند و دو طبقه



شکل ۳. نمودار توزیع ارزش شاخص تمایز قطری درختان در منطقه مورد مطالعه



شکل ۲. نمودار توزیع ارزش شاخص آمیختگی درختان

بحث

آمیخته شصت کلا گرگان به صورت کپه‌ای گزارش نمودند مطابقت دارد. یکی از علت‌های پراکنش کپه‌ای این گونه در خصوصیات اکولوژیک آن از جمله بذره‌های سنگین، سایه پسندی و داشتن زادآوری لکه‌ای می‌باشد (۳ و ۶). نتیجه مطالعه حاضر با پومرنینگ (۳۹) که در مطالعه‌ای که بر روی توده متشکل از بلوط و راش انجام داد بیان کرد که راش بیشتر به حالت کپه‌ای متمایل است، مطابقت دارد. گراز (۲۶) نحوه زادآوری درختان را یکی از عوامل موثر بر موقعیت مکانی درختان می‌داند بدین صورت که الگوی مکانی درختان ابتدا با توزیع بذر و تغییرات مکانی تجدید حیات و زنده‌مانی اولیه آنها تعیین می‌شود (۳۵) و سپس تحت تأثیر شرایط محیطی از قبیل خاک، توپوگرافی، رقابت، گذشته توده قرار می‌گیرد. بنابراین، به طوری که ملاحظه می‌شود این ارتباط دو سویه است (۱). تجدید حیات راش در طبیعت در یک جنگل دست نخورده به صورت لکه‌ای و گروهی است (۵). به نظر می‌رسد این نوع الگوی تجدید حیات، عامل اصلی پراکنش کپه‌ای برای این گونه باشد و این الگو در توزیع پایه‌های بزرگسال نیز ادامه دارد (۶). فرلیخ و همکاران (۲۲) سه عامل موثر بر الگوهای مکانی درختان در جنگل را ۱- تاریخچه آشفستگی منطقه ۲- روابط متقابل رقابتی ۳- گونه‌های مهاجم بیان کرده‌اند. مقایسه نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعه علیجانی (۱۰) که

توسعه ساختاری در جنگل‌هایی که به طور طبیعی شکل یافته‌اند شامل فرایندهای بسیاری از جمله فرایندهای مرتبط با استقرار، رشد و تکامل تک درختان، روابط متقابل رقابتی و آشفستگی‌های کوچک مقیاس می‌باشد (۳۰) و توسعه جنگل‌های با ساختار پیچیده نیازمند سال‌های متمادی می‌باشد به خصوص در اکوسیستم‌های جنگلی که شامل گونه‌های درختی با دیرزیستی بالا می‌باشند (۲۳). همان‌طور که محققان بسیاری اشاره نموده‌اند (۲۱، ۳۳، ۴۲ و ۴۸)، الگوهای مکانی که خود به وسیله پراکنش درختان و روابط متقابل آنها تعیین می‌شوند بر زادآوری، رشد، دیرزیستی، توسعه زیراشکوب، گسترش آشفستگی‌ها همانند آفات و بیماری‌ها و سایر مولفه‌های اکولوژیک که توسط مدیریت اعمال می‌شوند از قبیل تنک کردن، بهره‌برداری و نهال کاری تأثیر می‌گذارند (۱۷). ماناب و همکاران (۳۱) به این نتیجه دست یافتند که الگوی پراکنش بسیاری از گونه‌ها در جوامع جنگلی به صورت کپه‌ای می‌باشد. در حقیقت در توده‌های جنگلی با منشأ طبیعی اغلب درختان به صورت کپه‌ای نظم یافته‌اند (۴۴)، نتایج آنالیز الگوی مکانی پایه‌های درختی در این تحقیق نیز نشان داد الگوی پراکنش درختان در منطقه مورد مطالعه به صورت کپه‌ای می‌باشد. نتیجه مطالعه حاضر با حبشی و همکاران (۶) که الگوی پراکنش گونه راش را در جنگل راش

الگوی پراکنش درختان در تیپ راش و راش-ممرز را در جنگل خیرود تصادفی برآورد نمود مغایرت دارد. نکته‌ای که در این زمینه باید به آن توجه نمود این است که تراکم توده‌ها و مقیاس مطالعه دو متغیر اصلی می‌باشند که بر محاسبات آماری تعیین الگوهای پراکنش تأثیر می‌گذارند (۲۰). به عبارت دیگر پراکنش مکانی درختان می‌تواند الگوهای متفاوتی را در مقیاس‌های کوچک‌تر نسبت به مقیاس‌های بزرگ‌تر نشان دهد. در مطالعه مذکور از قطعات نمونه ده آری رایج در آماربرداری جنگل استفاده شده بود در حالی که در مطالعه حاضر به منظور محاسبه شاخص‌های الگوی مکانی، آماربرداری ۱۰۰ درصد انجام و موقعیت تمام درختان ثبت شد. به نظر می‌رسد اختلاف مشاهده شده در الگوی مکانی درختان در پژوهش حاضر و مطالعه علیجانی (۱۰) به دلیل تفاوت در مقیاس مکانی دو مطالعه باشد. هم‌چنین آرایش غیرتصادفی روشن‌های تاج پوشش و پراکنش چوب‌های افتاده نیز می‌تواند دلایل اولیه برای الگوهای تجمعی گونه‌ها باشند (۱۷).

مقدار شاخص آمیختگی منطقه مورد مطالعه (۰/۳۱۳) نشان‌دهنده آمیختگی کم پایه‌های درختی می‌باشد. در توده‌های جنگلی خالص یا توده‌های جنگلی که ۶۰ تا ۷۰ درصد از توده را یک گونه تشکیل می‌دهد، شاخص آمیختگی کل توده معمولاً کم می‌باشد در مطالعه حاضر نیز از آنجایی که گونه اصلی تشکیل دهنده منطقه مورد مطالعه راش بود، این مسئله دور از تصور نمی‌باشد. از سویی دیگر آمیختگی گونه‌ای به‌طور مستقیم تحت تأثیر موقعیت مکانی درختان قرار می‌گیرد (۳۸) و تمایل گونه راش به داشتن الگوی مکانی کپه‌ای باعث می‌شود که بیشتر درختان مجاور این گونه از پایه‌های راش باشند. شاخص اختلاف قطر برابر سینه به‌خوبی بیانگر اختلافات قطری درختان مجاور نسبت به یکدیگر می‌باشد. این شاخص صرف‌نظر از کوچک‌تر یا بزرگ‌تر بودن درخت مرجع به کمی‌سازی اختلافات موجود بین درختان مجاور یکدیگر می‌پردازد. مقدار این شاخص در پارسل مورد مطالعه (۰/۴۳) نشان‌دهنده اختلاف متوسط بین درختان از نظر قطر برابر سینه می‌باشد. مقدار

شاخص آمیختگی نسبی (۰/۴۴) که بزرگ‌تر از صفر می‌باشد نشان‌دهنده این مطلب می‌باشد که تعداد جفت‌های درختی مشاهده شده کمتر از مقدار مورد انتظار بوده که نشان‌دهنده تفکیک گونه‌ها یا به بیانی دیگر جدایی مکانی گونه‌ها می‌باشد. مقادیر بالای شاخص مذکور بیانگر رقابت درون گونه‌ای می‌باشد در حالی که مقادیر کم این شاخص دلالت بر ارتباط و پیوستگی گونه‌ای داشته و غالبیت شرایط رقابت بین گونه‌ای را نشان می‌دهد. از آنجایی که گونه غالب در پارسل مورد مطالعه راش می‌باشد، وجود رقابت درون گونه‌ای بین پایه‌های راش محتمل‌تر از رقابت بین گونه‌های مختلف به‌نظر می‌رسد. داده‌های آماری مطلوب و مناسب از یک جنگل باید توصیف کامل الگوی مکانی درختان و چگونگی پراکنش اندازه‌های آنها را در برداشته باشد (۴۴). ساختار کنونی جنگل‌های مدیریت نشده نتیجه تعامل پیچیده بین درختان با عوامل محیطی مختلف از جمله اقلیم و رویشگاه می‌باشد. تجزیه و تحلیل الگوهای مکانی درختان با ابعاد و شرایط رقابتی متفاوت می‌تواند در بازسازی ساختار گذشته توده و در تفسیر مراحل تحولی که الگوی پراکنش کنونی درختان را به‌وجود آورده‌اند، مفید باشد.

توجه به این نکته ضروری است که به‌منظور مدیریت بهینه منابع جنگلی به‌دست آوردن درک صحیحی از ساختار جنگل‌ها ضروری می‌باشد و آگاهی از وضعیت ساختاری توده‌های جنگلی و تکامل آنها از نظر تئوری و عملی و نیز الگوهای تغییرات ساختار جنگل در زمان و مکان به‌عنوان مبنایی برای راهکارهای مدیریت جنگل در جنگلداری نوین اهمیت دارد (۲۸، ۳۶ و ۴۶). شاخص‌های استفاده شده در این تحقیق به‌خوبی نشان‌دهنده وضعیت ساختار مکانی توده‌های جنگلی می‌باشند و دارای توانایی لازم در تشریح اختلاف بین جنگل‌ها در زمان و مکان‌های مختلف، تعیین ساختار جنگل، تعیین اختلاف ساختار مشاهده شده و مورد انتظار و هم‌چنین بیان تغییرات ایجاد شده بر اثر عملیات بهره‌برداری می‌باشند و می‌توانند به مدیران جنگل در برنامه‌ریزی‌ها و اتخاذ تصمیم‌های مناسب و مهم کمک نماید.

منابع مورد استفاده

۱. اخوان، ر.، خ. ثاقب طالبی، م. حسنی و پ. پرهیزکار. ۱۳۸۹. بررسی الگوی مکانی درختان طی مراحل تحولی جنگل در توده‌های دست نخورده راش در کلاردشت. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، ۱۸ (۲): ۳۲۲-۳۳۶.
۲. اعتماد، و. ۱۳۸۸. مدیریت بهینه جنگل خیرود: نقشه تیپولوژی جنگل. پروژه صندوق پژوهشگران جوان، ۱۲۰ ص.
۳. امانی، م و م. حسنی. ۱۳۸۸. بررسی خصوصیات کمی و کیفی توده‌های طبیعی راش در مرحله توالی اپتیمال (مطالعه موردی: جنگل مرسی، بخش دو سنگده). فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، ۱۷ (۱): ۱۴۸-۱۳۴.
۴. بصیری، ر.، ه. سهرابی و م. مزین. ۱۳۸۵. تحلیل آماری الگوی پراکنش مکانی گونه‌های درختی در منطقه قامیشه مریوان، نشریه دانشکده منابع طبیعی، ۵۹ (۳): ۵۷۹-۵۸۸.
۵. پوربابایی، ح.، ح. آهنی، ب. ا. اسلام. ۱۳۸۳. بررسی الگوی مکانی درختان کرکف در جنگل‌های سفارود، رضوان‌شهر، گیلان. مجله محیط زیست، ۱: ۲۴-۳۰.
۶. حبشی، ه.، م. حسینی، ج. محمدی و ر. رحمانی. ۱۳۸۶. تعیین الگوی پراکنش و ساختار در جنگل آمیخته راش شصت کلاته گرگان. تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، ۱۵ (۱): ۶۴-۵۵.
۷. طرح جنگلداری بخش گرازیب جنگل آموزشی و پژوهشی خیرود. ۱۳۸۹. گروه جنگلداری و اقتصاد جنگل دانشگاه تهران. ۲۹۷ ص.
۸. عرفانی فرد، ی.، ج. فقهی، م. زبیری و م. نمیرانیان. ۱۳۸۶. بررسی الگوی مکانی درختان در جنگل‌های زاگرس، مجله منابع طبیعی ایران، ۶۰ (۴): ۱۹-۱۳.
۹. علوی، س. ج.، ق. زاهدی امیری، ز. نوری، م. ر. مروی مهاجر. ۱۳۹۲. کاربرد تابع K راپیلی در آشکارسازی الگوی پراکنش مکانی گونه ملیج در جنگل آموزشی و پژوهشی خیرود نوشهر. مجله پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل، ۲۰ (۴): ۳۹-۲۱.
۱۰. علیجانی، و. ۱۳۹۰. کمی سازی ساختار مکانی جنگل (مطالعه موردی: جنگل آموزشی پژوهشی خیرود)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جنگلداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
۱۱. علیجانی، و.، م. زبیری، ج. فقهی و م. ر. مروی مهاجر. ۱۳۹۱. کمی سازی ساختار مکانی جنگل‌های میان‌بند شمال ایران (مطالعه موردی: بخش گرازیب جنگل خیرود)، نشریه محیط زیست طبیعی، ۶۵ (۱): ۱۲۵-۱۱۱.
۱۲. مروی مهاجر، م. ۱۳۸۴. جنگل شناسی و پرورش جنگل. انتشارات دانشگاه تهران. ۳۸۷ ص.
۱۳. نوری، ز.، م. زبیری، ج. فقهی و م. ر. مروی مهاجر. ۱۳۹۲. بررسی الگوی پراکنش مکانی درختان و ساختار در راشستان‌های طبیعی شمال ایران (مطالعه موردی: بخش گرازیب جنگل خیرود). نشریه محیط زیست طبیعی، ۶۶ (۱): ۱۲۵-۱۱۳.
۱۴. نوری، ز. ج. فقهی، م. ر. مروی مهاجر، ۱۳۹۳. الگوی مکانی و حجم خشکه دارها در توده‌های راش (مطالعه موردی: بخش گرازیب جنگل خیرود). اکوسیستم‌های طبیعی ایران، ۵ (۱): ۱۴-۱.
15. Aguirre, O., G. Hui, K. V. Gadow and J. Jimenez. 2003. An analysis of forest structure using neighborhood-based variables. *Forest Ecology and Management* 183: 137-145.
16. Alhamad, M. N. 2006. Ecological and species diversity of arid mediterranean grazing land vegetation. *Journal of Arid Environments* 66: 715-898.
17. Chen, J. and G. A. Bradshaw. 1999. Forest structure in space: a case study of an old growth spruce forest in Changbaishan Natural Reserve, PR China. *Forest Ecology and Management* 120: 219-233.
18. Clark, P., and E. Evans. 1954. Distance to nearest neighbor as a measure of spatial relationships in populations. *Ecology* 35(4): 445-453.
19. Corral, J. J., C. Wehenkel, H. A. Castelanos, B. Vargas and U. Dieguez. 2010. A permutation test of spatial

- randomness: application to nearest neighbor indices in forest stands. *Journal of Forest Research* 15: 218-225.
20. Cressie, N. A. 1993. *Statistics for Spatial Data*. John Wiley and Sons, New York, 928p.
 21. Ford, E. D. 1975. Competition and stand structure in some even-aged plant monocultures. *Journal of Ecology* 63: 311-333.
 22. Frelich, L. E., R. L. Calcote, M. B. Davis and J. Pastor. 1993. Patch formation and maintenance in an old-growth hemlock-hardwood forest. *Journal of Ecology* 72(2): 513-527.
 23. Freund, J. A., J. F. Franklin and J. A. Lutz. 2015. Structure of early old-growth Douglas-fir forests in the Pacific Northwest. *Forest Ecology and Management* 335: 11-25.
 24. Gadow, K. V. 1997. Strukturentwicklung eines Buchen-Fichten- Mischbestandes. *Allgemeine Forst und Jagdzeitung* 168:103-106.
 25. Gadow, K. V. 2006. *Forsteinrichtung, Adaptive Steuerung und Mehrpfadprinzip*, University of Gottingen, Gottingen, 171p.
 26. Graz, P. F. 2004. The behavior of the species mingling index M_{sp} in relation to species dominance and dispersion. *European Journal of Forest Research* 123:87-92.
 27. Kint, V., N. Lust, R. Ferris and A. F. M. Olsthoorn. 2000. Quantification of forest stand structure applied to Scot Pine (*Pinus sylvestris* L.) Forests. *Forest Systems* 1: 147-163.
 28. Kint, V., D. W. Robert and L. Noel. 2004. Evaluation of sampling methods for estimation of structural indices in forest stands. *Ecological Modeling* 180: 461-476.
 29. Kint, V. 2005. Structural development in ageing temperate Scots pine stands, *Forest Ecology and Management* 214: 237-250.
 30. Lutz, J. A., A. J. Larson, T. J. Furniss, J. A. Freund, M. E. Swanson, D. C. Donato, K. J. Bible, J. Chen and J. F. Franklin. 2014. Spatially nonrandom tree mortality and ingrowth maintain equilibrium pattern in an old-growth *Pseudotsuga-Tsuga* forest. *Ecology* 95(8): 2047-2054.
 31. Manabe, T., N. Nishimura, M. Miura and S. Yamamoto. 2000. Population structure and spatial patterns for trees in temperate old-growth evergreen broad-leaved forests in Japan. *Journal of Plant Ecology* 151: 181-197.
 32. Moeur, M. 1993. Characterizing spatial patterns of trees using stem- mapped data. *Forest science* 39 (4): 756-775.
 33. Mou, P. and T. J. Fahey. 1988. REGROW: a computer model simulating the early successional process of a disturbed reserve, Sichuan, China. *Journal of Applied Ecology* 76:1204-1218.
 34. Nadkarni, N. M., A. C. S. McIntosh and J. B. Cushing. 2008. A framework to categorize forest structure concepts. *Forest Ecology and Management* 256(5):872-882.
 35. Nathan, R. and H. C. Muller-Landaua. 2000. Spatial patterns of seed dispersal, their determinants and consequences for recruitment. *Trends of Ecology and Evolution* 15: 278-285.
 36. Newton A. C. 2007. *Forest Ecology and Conservation, a Handbook of Techniques*. Oxford University Press, Oxford, 472p.
 37. Pielou, E. C. 1977. *Mathematical Ecology*. John Wiley and Sons, New York, 385p.
 38. Pommerening, A. 2002. Approaches to quantifying forest structures. *Journal of Forestry* 75(3): 305-324.
 39. Pommerening, A. 2006. Evaluating structural indices by reversing forest structural analysis. *Forest Ecology and Management* 224: 266-277.
 40. Pommerening, A. and D. Stoyan. 2006. Edge-correction needs in estimating indices of spatial forest structure. *Canadian Journal of Forest Research* 36: 1723-1739.
 41. Pretzsch, H. 1997. Analysis and modeling of spatial stand structures: Methodological considerations based on mixed beech-larch stands in Lower Saxony. *Forest Ecology and Management* 97: 237-253.
 42. Reed, D. D. and H. E. Burkhart. 1985. Spatial autocorrelation of individual tree characteristics in loblolly pine stands. *Forest Science* 31(3): 575-587.
 43. Resaneh, Y., M. H. Moshtagh and P. Salehi. 2001. National Seminar of Management and Sustainable Development of North forests, Quantitative study of North forests, Forest and Range Organization Press, Ramsar, Iran.
 44. Ruprecht, H., A. Dhar, B. Aigner, G. Oitzinger, K. Raphael and H. Vacik. 2010. Structural diversity of English yew (*Taxus bacata* L.) populations. *European Journal of Forest Research* 129: 189-198.
 45. Spence, J. R. 2001. The new boreal forestry: adjusting timber management to accommodate biodiversity. *Trends in ecology and Evolution* 16(11): 591-593.
 46. Spies, T. A. 1998. Forest structure: a key to the ecosystem, *Northwest Science* 72(2): 34-39.
 47. Szwagrzyk, J. 1990. Small-scale spatial patterns of trees in a mixed *Pinus sylvestris-Fagus sylvatica* forest. *Forest Ecology and Management* 51: 301-315.
 48. Taylor, A. H and Z. Quin. 1988. Regeneration patterns in old-growth *Abies-Betula* forests in the Wolong natural reserve, Sichuan, China. *Journal of Ecology* 76:1204-1218.